یادداشت

وقتی آینده گران می‌شود

ادامه از صفحه اول

فرزندآوری یکی از بلندمدت‌ترین تعهدات اقتصادی خانوار است. مسکن، مراقبت، درمان و آموزش برای سال‌ها وارد بودجه خانواده می‌شود. زوجی که درباره فرزند تصمیم می‌گیرد، قدرت خرید آینده، امنیت شغلی و امکان تأمین مسکن را هم محاسبه می‌کند. هر «شاید» تازه، بخشی از این محاسبه را دشوارتر می‌کند.

برای همین باید درباره سیاست جمعیتی صریح‌تر حرف زد. افزایش وام فرزندآوری ممکن است بخشی از هزینه‌های اولیه را پوشش دهد، اما خانواده درباره یک تعهد چندماهه تصمیم نمی‌گیرد. مسئله، پذیرش مسئولیتی چنده‌ساله است. سیاست جمعیتی زمانی به زندگی واقعی نزدیک می‌شود که بخشی از ریسک این سال‌ها را از دوش خانواده بردارد.

یک راه عملی، تعریف «بسته تضمین کودک و خانواده» با منابع و تعهدات چندساله است: پوشش درمان کودک، خدمات مراقبتی و مهدکودک، حمایت از بازگشت والدین به کار و ابزارهای مسکن استیجاری بلندمدت. این تعهدات باید در سناریوهای اقتصادی دولت برای شرایط مختلف جنگ نیز جای مشخص داشته باشند. خانواده باید بداند در صورت طولانی‌شدن جنگ یا کاهش منابع عمومی، کدام حمایت‌ها همچنان برقرار می‌ماند.

مجلس هم باید در ارزیابی قانون جوانی جمعیت سراغ زندگی واقعی مردم برود. تعداد وام‌های پرداخت‌شده یک عدد اجرائی است؛ اثر سیاست را باید در جای دیگری سنجید: سهم مسکن از هزینه خانواده دارای فرزند چقدر شده؟ هزینه نگهداری و درمان کودک چه تغییری کرده؟ چند مادر پس از تولد امکان بازگشت به کار داشته‌اند؟ قدرت خرید خانواده دارای فرزند طی چند سال گذشته چه مسیری رفته است؟

موضوع برای آینده اقتصاد ایران نیز جدی است. برآورد صندوق جمعیت سازمان ملل نشان می‌دهد تا سال ۲۰۵۰ نزدیک به ۲۸ درصد جمعیت ایران بالای ۶۰ سال خواهند بود. کاهش تولد امروز، سال‌ها بعد در اندازه نیروی کار، تعداد بیمه‌پردازان و هزینه صندوق‌های بازنشستگی و درمان ظاهر می‌شود.

جنگ ممکن است ماه‌ها یا بیشتر طول بکشد، اما بعضی تصمیم‌هایی که مردم در این دوره می‌گیرند، اثر چنده‌ساله دارند. نمی‌توان از خانواده تعهد ۲۰ساله خواست، وقتی افق زندگی‌اش با «شاید»های چندماهه پر شده است. اگر افزایش فرزندآوری مطالبه حاکمیت است، قابل برنامه‌ریزی‌کردن آینده باید بخشی از تعهد حاکمیت باشد.

محاصره شدید اقتصادی بدون راهبرد و دیپلماسی؟

ادامه از صفحه اول

تجربه نیم‌قرن نشان می‌دهد فشار اقتصادی شدید لزوما به تسلیم سیاسی رهبران منجر نمی‌شود. ممکن است نتیجه آن افزایش فشار معیشتی بر مردم، تشدید بحران انسانی و اقتصادی و در مقابل، افزایش انگیزه حکومت و حامیان آن برای مقاومت باشد. رهبران ایران ممکن است فشار اقتصادی را نه به عنوان دعوتی برای چانه‌زنی و مصالحه، بلکه به عنوان بخشی از راهبرد تغییر رژیم تفسیر کنند. در چنین شرایطی، هرگونه عقب‌نشینی می‌تواند از نگاه آنان به معنای افزایش آسیب‌پذیری و مواجهه با یک خطر وجودی تلقی شود. در نتیجه، فشار بیشتر ممکن است به‌جای کاهش مقاومت و افزایش نرمش در مذاکره، انگیزه مقاومت و اقدامات نظامی و آفندی را به‌سرعت افزایش دهد. این سیاست حتی ممکن است انگیزه ایران برای مقاومت و واکنش متقابل را افزایش داده و در نتیجه، هزینه اقتصادی و امنیتی سیاست آمریکا را بالا ببرد. اگر چنین واکنشی متوجه زیرساخت‌های انرژی خلیج فارس شود، بحران می‌تواند از یک مناقشه دوجانبه به بحرانی منطقه‌ای و حتی جهانی تبدیل شود.

فشار اقتصادی بدون راهبرد و دیپلماسی

فشار اقتصادی شکننده، بدون دیپلماسی، فاقد مسیر روشن برای تبدیل فشار به تعامل و توافق است. حتی اگر محاصره اقتصادی بتواند درد و هزینه جدی ایجاد کند، این پرسش همچنان باقی می‌ماند که نقطه پایان آن کجاست؟ اگر هدف، تغییر رفتار ایران است، باید مشخص شود چه امتیازی در برابر چه تغییری ارائه خواهد شد. اگر هدف همچنان تحت تأثیر نفوذ اسرائیل، تغییر حکومت است، هزینه و پیامدهای چنین پروژه‌ای بسیار وسیع‌تر و بزرگ‌تر خواهد بود. تاکتیک «محاصره خردکننده اقتصادی» ممکن است بتواند فشار بر مردم ایجاد کند، اما این فشار لزوما به قدرتی برای حصول نتیجه منجر نمی‌شود و به‌خودی‌خود راهبرد نیست. راهبرد زمانی شکل می‌گیرد که فشار با دیپلماسی، ائتلاف‌سازی و براساس مفاد تفاهم‌نامه ۱۴ماده‌ای، یک مسیر روشن برای خروج از بحران همراه شود. بدون این عناصر، محاصره اقتصادی می‌تواند نه به تسلیم ایران، بلکه به ضعیف‌شدن هر دو طرف، فرسایشی‌ترشدن جنگ و خارج‌شدن منازعه نظامی از کنترل منجر شود.

وقتی قانون خود منشأ نفوذ می‌شود

ادامه از صفحه اول

انصاف حکم می‌کند میان غایت این طرح و وسیله انتخاب‌شده برای تحقق آن، خط روشنی کشیده شود. مقابله با جاسوسی، جلوگیری از تأمین مالی پنهان انتخابات از سوی دولت‌های بیگانه و برخورد با عملیات هدایت‌شده از خارج برای اخلال در تصمیم‌گیری حاکمیتی، اهدافی است که نه‌فقط با اصول ۹، ۲۰، ۱۵۲ و ۱۵۳ قانون اساسی همخوان است، بلکه در فقه سیاسی اسلام نیز در ذیل قاعده «نفی سبیل»، جایگاهی مستحکم دارد. هیچ منتقد جدی این طرح -نه در میان حقوق‌دانان و نه در میان روزنامه‌نگاران- اصل ضرورت مقابله با نفوذ را انکار نکرده است. مسئله از آنجا آغاز می‌شود که قانون‌گذار به‌جای تعریف دقیق «نفوذ» به‌مثابه رفتاری آگاهانه، هدفمند و آسیب‌رسان، آن را در هاله‌ای از مفاهیم عام رها کرده که هر رفتار متعارف را نیز دربرمی‌گیرد. یک تحلیلگر سیاسی این پارادوکس را به‌درستی این‌گونه صورت‌بندی کرده که نمی‌توان برای شناسایی چند جاسوس، میلیون‌ها شهروند را زیر فشار گذاشت و ارتباط علمی و رسانه‌ای آنان با جهان را محدود کرد. روزنامه اطلاعات نیز در نقدی که خود نشان از دامنه گسترده نگرانی فراتر از محافل حقوقی دارد، هشدار داده این طرح می‌تواند به‌جای «سد راه نفوذ»، به «بستر نفوذ» و عاملی برای تضعیف سرمایه اجتماعی کشور بدل شود. وسیله ناصحیح، حتی در خدمت غایتی صحیح، غایت را نیز به تباهی می‌کشد.

همین شکاف میان «غایت» و «وسیله» است که نقد را به مهم‌ترین معیار سنجش هر متن کیفری می‌کشاند: اصلی که در فقه امامیه به «قبح عقاب بلابیان» و در حقوق جزای نوین به اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات شناخته می‌شود؛ اصلی که این دو نظام معرفتی، علی‌رغم مبانی متفاوت خویش، در آن به یک نتیجه رسیده‌اند. مضمون این اصل چنین است: تکلیف کیفری باید پیش از رفتار، به‌گونه‌ای روشن، مضیق و قابل فهم برای شهروند متعارف بیان شده باشد تا او -و نه صرفا بازپرس یا دادستان پس از وقوع فعل- بتواند مرز میان مجاز و ممنوع را تشخیص دهد. ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ همین معنا را بازتاب می‌دهد و ماده ۱۲ آن، حکم به مجازات را منحصر به دادگاه صالح و به موجب قانونی روشن می‌داند. در فقه، قاعده «الحدود تُدرأ بالشبهات» و اصل تفسیر مضیق نصوص جزایی به نفع متهم، از همین ریشه می‌رویند: هرجا شک در انطباق رفتار بر عنوان مجرمانه راه یابد، تفسیر باید به سود متهم باشد، نه به سود دستگاه تعقیب.

اکنون این معیار را بر متن طرح بیازماییم. استاد دانشگاه و رئیس پیشین مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری، در ارزیابی مستندی که از این طرح به دست داده، فهرستی از عبارات آن را برشمرده که هیچ‌یک تعریف حقوقی ندارند: «اشراف»، «هدایت»، «چهره سیاه از ایران»، «ناسازگار با فرهنگ ایرانی»، «رسانه معاند»، «ضربه به مصالح اساسی نظام» و «مخدوش‌کردن اعتماد مردم». این عبارات، برخلاف عناوینی همچون «افشای اسرار نظامی» یا «تبانی با نیروی نظامی بیگانه» که در قوانین کیفری موجود ایران با دقت نسبی تعریف شده‌اند، فاقد هرگونه معیار عینی و قابل سنجش هستند. پرسش تعیین‌کننده این است: آیا یک استاد دانشگاه که در مصاحبه‌ای با یک روزنامه خارجی از سیاست اقتصادی دولت انتقاد می‌کند، «چهره سیاه از ایران» نشان داده است؟ آیا یک هنرمند که اثری غیرمتعارف با ذائقه رسمی می‌آفریند، «ناسازگار با فرهنگ ایرانی» عمل کرده است؟ قانونی که پاسخ این پرسش‌ها را به تشخیص موردی نهاد و ضابط اطلاعاتی وامی‌گذارد، دیگر قانون نیست؛ آیین‌نامه‌ای است در لباس قانون. کامبیز نوروزی، حقوق‌دان و مدرس حقوق مطبوعات، در ارزیابی خود از این طرح، عبارتی به کار برده که در عین ایجاز، دقیق‌ترین توصیف فنی از این کاستی است. به باور او، این طرح نه با مفهوم رسانه، نه با مفهوم دانشگاه و نه با مسئله واقعی جاسوسی آشنایی ندارد و در همین ناآشنایی مفهومی است که ریشه ناسازگاری آن با حقوق اساسی ملت نهفته است. او در ارزیابی مبسوط‌تری افزوده واژه‌های مبهم و قابل تفسیر این طرح، زمینه محدودشدن آزادی بیان و فعالیت هنرمندان، روزنامه‌نگاران و دانشگاهیان را فراهم می‌کنند. علی مجتهدزاده، حقوق‌دان دیگر، با اشاره به همین دسته از مفاهیم -«معاند»، «ضدانقلاب» و «فرهنگ ضداسلامی»- این طرح را «از هر جهت برای کشور خطرناک» ارزیابی کرده است.

این کاستی مفهومی، به‌تنهایی یک نقص نگارشی نیست؛ به یک بحران قانون اساسی می‌انجامد. در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تقنین -به‌ویژه تقنین کیفری که آزادی و جان و مال شهروند را مستقیما هدف می‌گیرد- وظیفه‌ای انحصاری برای قوه مقننه است. اصل ۸۵ قانون اساسی، واگذاری وضع قواعد به نهادهایی غیر از مجلس را جز در چارچوب‌های محدود و مشخص برنمی‌تابد و شورای نگهبان در رویه تفسیری خود بارها بر همین انحصار پای فشرده است. اما طرح مقابله با نفوذ، درست همین انحصار را دور می‌زند: تعیین اینکه کدام رسانه «معاند» است -و از این رو مصاحبه با آن جرم است- برعهده دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی نهاده شده و تعیین اینکه کدام دانشگاه یا نهاد خارجی «مجاز» است -و از این رو همکاری علمی با آن مباح است- بر عهده وزارت اطلاعات. نتیجه عملی این سازوکار، چیزی است که می‌توان آن را «فهرست سفید کیفری» نامید: رفتاری که امروز مباح است، می‌تواند فردا -با انتشار یک فهرست تازه، بدون هیچ تغییری در متن قانون و بدون هیچ رأی مجددی در مجلس- مجرمانه شود. این یعنی عنصر مادی جرم، دیگر در قانون مصوب نمایندگان ملت مستقر نیست؛ در تصمیم اداری یک نهاد اطلاعاتی مستقر است که نه در برابر افکار عمومی پاسخ‌گو است و نه به‌گواهی خود متن طرح، الزاما در برابر نظارت قضائی مؤثر. این دقیقا همان چیزی است که اصل ۸۵ قانون اساسی برای پیشگیری از آن وضع شده است؛ و دقیقا همان چیزی است که ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، با تأکید بر لزوم تعیین مجازات «در قانون»، از آن نهی می‌کند.

رئیس پیشین مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست‌جمهوری در فهرست دقیقی که از اصول متأثر این طرح به دست داده، علاوه بر اصل ۸۵، اصول ۹ (استقلال و امنیت توأمان با آزادی)، ۲۲ (مصونیت حیثیت و حقوق اشخاص از تعرض)، ۲۴ (آزادی مطبوعات با استثنای مضیق)، ۲۶ (آزادی تشکل‌ها)، ۲۸ (آزادی انتخاب شغل)، ۳۶ (اختصاص مجازات به حکم دادگاه صالح)، ۳۷ (اصل برائت)، ۴۷ (احترام به مالکیت مشروع)، ۷۵ (الزامات مالی طرح‌های نمایندگان) و ۱۵۹ (مرجعیت دادگستری در رسیدگی به تظلمات) را برشمرده است. این فهرست، به‌تنهایی گویای آن است که ایراد این طرح، یک بند حاشیه‌ای نیست؛ به ستون فقرات نظام حقوق اساسی ایران در باب رابطه دولت و شهروند بازمی‌گردد. و از میان همین اصول است که پرسش تناسب سر برمی‌آورد: در هیچ نظام حقوقی، آزادی بیان یا آزادی تشکل، مطلق نیست؛ اما محدودسازی آن نیز تابع قاعده‌ای است که حقوق‌دانان آن را «اصل تناسب» می‌نامند؛ محدودیت باید ضروری باشد، به تهدیدی واقعی و مشخص پاسخ دهد و از میان ابزارهای ممکن، کم‌هزینه‌ترین برای آزادی را برگزیند.

طرح مقابله با نفوذ، در برخورد با فعالیت رسانه‌ای و علمی، این سنجه سه‌گانه را در هر سه بند نقض می‌کند. نخست، ضرورت محدودیت احراز نشده است؛ زیرا مصاحبه با یک رسانه خارجی درباره اقتصاد یا فرهنگ، به‌خودی‌خود تهدیدی برای امنیت ملی نیست، مگر آنکه با قصد اضرار یا انتقال اطلاعات حفاظت‌شده همراه باشد؛ قیدی که در متن حاضر طرح غایب است. دوم، تناسب رعایت نشده؛ زیرا مجازات‌هایی چون حبس درجه شش برای مصاحبه بدون ثبت در سامانه وزارت اطلاعات، یا حبس تا ۳۰ سال برای رفتاری که مرز آن با نقد سیاسی روشن نیست، با ماهیت غیرخشونت‌آمیز این رفتارها تناسبی ندارد. سوم، گزینه کم‌هزینه‌تر نادیده گرفته شده؛ چراکه ثبت اطلاعاتی یا الزام به شفافیت -بدون توسل به حبس- می‌توانست همان هدف اعلامی را با هزینه‌ای به‌مراتب کمتر برای آزادی بیان تأمین کند. قادر باستانی تبریزی، استاد ارتباطات و عضو هیئت‌مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، این بحران را در یک جمله خلاصه کرده است: هرگاه مفاهیم کیفری چنان مبهم و موسع شوند که شهروند از پیش نداند رفتار او مجرمانه است یا مباح، «امنیت حقوقی از میان می‌رود». محمدصالح نقره‌کار نیز در تحلیلی حقوقی که از زبان یک وکیل دادگستری بیان می‌شود نقل کرده مرز میان ارتباط حرفه‌ای با خارج و همکاری اطلاعاتی با بیگانه، مستلزم رعایت توأمان اصل شخصی‌بودن مجازات، اصل قانونی‌بودن جرم و قاعده قبح عقاب بلابیان است؛ در غیر این صورت، فعالیت‌هایی که اساسا نباید جرم‌انگاری شوند، در معرض جرم‌انگاری قرار می‌گیرند.

اگر از منظر حقوق اساسی به سمت فقه جزایی بازگردیم، همین ابهام را در قامت پنج قاعده بنیادین فقه کیفری امامیه بازمی‌یابیم. نخست، قاعده قبح عقاب بلابیان که پیش‌تر بدان پرداختیم. دوم، قاعده «لا تَبِعَه إلّا بِالعَمد» که مجازات بدون احراز علم و قصد را نفی می‌کند؛ حال آنکه در طرح، مدیر یا مجوزدهنده‌ای که از هدف واقعی یک همکاری آگاه نبوده، همچنان در معرض مسئولیت کیفری قرار می‌گیرد. سوم، قاعده «لا یَجنی جان إلّا علی نَفسِه» که مسئولیت کیفری را ذاتا شخصی می‌داند؛ حال آنکه انحلال الزامی شخص حقوقی، بی‌آنکه میان مدیر مقصر و شرکا یا کارکنان بی‌تقصیر تفکیکی صورت گیرد، این اصل را زیر پا می‌گذارد. چهارم، اصل تناسب تعزیر (التعزیر بقدر الذنب) که مجازات را باید هم‌سنگ شدت گناه دانست، نه رفتاری یکسان برای طیفی گسترده از رفتارها با شدت‌های به‌کلی متفاوت. پنجم، لزوم احراز عنوان ثانوی مشخص -جاسوسی، اعانه بر جرم، افشای سر- پیش از تعزیر رفتاری که ذاتا مباح است؛ اصلی که آشنا آن را این‌گونه صورت‌بندی کرده که جرائم طرح باید به «همکاری آگاهانه و مؤثر با سرویس خارجی، انتقال اطلاعات حفاظت‌شده و ایجاد خطر مشخص و قابل اثبات» محدود و برای فعالیت‌های علمی، روزنامه‌نگاری، درمانی، تجاری، کنسولی و بشردوستانه، استثنائات روشن پیش‌بینی شود.

همین پنج قاعده فقهی، وقتی به زبان قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ترجمه شود، طرح را در چهار نقطه مشخص از مسیر اصول پذیرفته‌شده منحرف می‌یابد. نخست، جرم‌انگاری «مقدمات بعیده» -یعنی اقداماتی که هنوز به آستانه اجرای جرم نرسیده‌اند- با ماده ۱۲۲ این قانون در تعارض است؛ ماده‌ای که فقط اقدامات و عملیاتی را که خود آغاز اجرای جرم باشند مستوجب مجازات می‌داند. دوم، انحلال الزامی اشخاص حقوقی بدون احراز اینکه جرم به نام یا در راستای منافع آن و توسط نماینده قانونی‌اش رخ داده، اصل شخصی‌بودن مسئولیت کیفری موضوع ماده ۲۰ را کنار می‌گذارد. سوم، سلب کامل اختیار قاضی برای تخفیف مجازات، فلسفه فردی‌سازی تعزیر -که سنگ‌بنای نظام مجازات‌های تعزیری در حقوق ایران است- را بی‌اثر می‌کند؛ زیرا هیچ دو پرونده‌ای از حیث شدت تقصیر و آسیب واقعی یکسان نیستند، و قانونی که این تفاوت را نادیده می‌گیرد، عدالت کیفری را به مجازاتی مکانیکی فرومی‌کاهد. چهارم، تعیین حبس درجه یک تا ۳۰ سال برای رفتاری که مرز آن با نقد مشروع سیاسی روشن نشده، نه‌فقط با اصل تناسب، بلکه با منطق درجه‌بندی مجازات‌ها در همین قانون -که شدیدترین مجازات‌ها را برای شدیدترین آسیب‌ها ذخیره می‌کند- ناسازگار است.

این بحران امنیت حقوقی، در مرحله دادرسی نیز بازتولید می‌شود. نقش ضابط قضائی -که وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه ایفا می‌کنند- در ترکیب با ابهام مفهومی عناوین مجرمانه، به این نهادها اختیاری می‌دهد که در نظام‌های حقوقی مبتنی بر تفکیک قوا، معمولا در انحصار مقام قضائی است: تشخیص اینکه یک رفتار مصداق «هدایت بیگانه» است یا نیست. ارجاع کلیت جرائم این قانون -نه‌فقط جرایم امنیتی واقعی، بلکه رفتارهای ماهیتا مطبوعاتی و سیاسی- به دادگاه انقلاب نیز، سنت حقوق اساسی ایران را که رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی را به دادگاه‌های عمومی دادگستری با حضور هیئت منصفه می‌سپارد، دور می‌زند. در همین راستا، اختیار مطلق دادگاه در مصادره «کلیه اموال و عواید ناشی از جرم»، بدون قید صریح به رعایت حقوق اشخاص ثالث با حسن نیت، ضمانت اجرای منصفانه‌ای که هر اقدام مصادره‌ای باید از آن برخوردار باشد را از میان می‌برد. به این کاستی‌های ماهوی، باید یک ایراد شکلی را نیز افزود که عثمان سالاری، عضو هیئت‌رئیسه محترم کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس، آشکار کرده است: بر پایه نظریه تفسیری شورای نگهبان، هر طرحی با ماهیت قضائی و حقوقی باید پیش از تصویب، نظر رسمی قوه قضائیه را دریافت کند؛ در حالی که این نظر در فرایند تدوین طرح اخذ نشده و در کمیسیون امنیت ملی نیز حضور قاضی یا حقوق‌دان آشنا با اصول کلی حقوقی محرز نبوده است.

آنچه این نقد را از یک برداشت فردی متمایز می‌کند، هم‌داستانی طیف گسترده‌ای از صاحب‌نظران -از حقوق‌دانان دانشگاهی تا استادان ارتباطات، از نمایندگان پیشین مجلس تا خود قوه مجریه- بر سر همین کاستی‌هاست. سینا یوسفی، وکیل دادگستری، هشدار داده اگر همکاری با دانشگاه خارجی یا دریافت حمایت برای فعالیت مدنی بتواند به پرونده امنیتی بدل شود، پیامد آن محدودشدن دانشگاه، جامعه مدنی و گردش اطلاعات ایران با جهان خواهد بود. حمید ضیایی‌پرور، استاد ارتباطات، تأکید کرده قانونی که قرار است ارتباطات میلیون‌ها شهروند را تنظیم کند، خود باید محصول گفت‌وگو با روزنامه‌نگاران، استادان ارتباطات، حقوق‌دانان و انجمن‌های علمی باشد، نه تصمیمی یک‌سویه که در غیاب آنان نوشته شده است. این هم‌داستانی، از منظر حقوق عمومی، معنایی فراتر از نقد رسانه‌ای دارد: نشان می‌دهد ایراد طرح، یک قرائت سیاسی نیست؛ یک ارزیابی فنی و حرفه‌ای مشترک میان کسانی است که هرروز با متن قوانین کیفری سروکار دارند.

آنچه در این یادداشت آمد را می‌توان در شش کاستی خلاصه کرد که همگی از یک ریشه واحد می‌رویند: غیبت تعریف دقیق. نقض اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات به‌واسطه مفاهیم موسع و مبهم؛ نقض اصل ۸۵ قانون اساسی از طریق واگذاری تعیین مصداق جرم به نهادهای اجرایی و امنیتی؛ نقض اصل شخصی‌بودن مسئولیت کیفری و قاعده منع مجازات مقدمات بعیده؛ محدودسازی آزادی‌های بنیادین علمی، رسانه‌ای و مدنی بدون احراز سوءنیت و بدون رعایت اصل تناسب؛ فقدان تناسب میان مجازات‌ها و شدت واقعی رفتارها؛ و کاستی شکلی ناشی از عدم اخذ نظر قوه قضائیه در فرایند تدوین. این شش کاستی، اگر اصلاح نشوند، طرح را نه به ابزاری برای مقابله با نفوذ واقعی، بلکه -به‌گفته روزنامه اطلاعات- به بستری تازه برای بی‌اعتمادی، خودسانسوری و تضعیف سرمایه اجتماعی کشور بدل خواهند کرد.

پیشنهاد این یادداشت به معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری و به کمیسیون‌های تخصصی مجلس، و نهادهای محترم ذی‌صلاح نه توقف طرح، بلکه اصلاح ریشه‌ای آن است: نخست، جرائم به همکاری آگاهانه و مؤثر با دولت یا سرویس خارجی، انتقال عامدانه اطلاعات طبقه‌بندی‌شده، تأمین مالی خارجی انتخابات با علم به منشأ آن و اقداماتی که خطر مشخص و قابل اثبات برای امنیت کشور ایجاد می‌کنند محدود شود. دوم، برای فعالیت‌های علمی، روزنامه‌نگاری، درمانی، تجاری اقتصادی، کنسولی و بشردوستانه، استثنائات صریح -نه یک تبصره مبهم- در متن قانون درج شود. سوم، سازوکار «فهرست سفید» ملغی و جای خود را به فهرست محدود و مصوب مجلس از نهادهای واقعا ممنوعه، همراه با حق اعتراض قضائی مؤثر، بدهد. چهارم، انحلال شخص حقوقی مشروط به احراز جرم توسط نماینده قانونی آن شود و مصادره اموال به عواید و ابزار مستقیم جرم، با رعایت حقوق اشخاص ثالث با حسن نیت، محدود شود. پنجم، پیش از تصویب جزئیات، نظر رسمی قوه قضائیه و کارشناسان مجرب و متخصص همین نهاد -به‌موجب همان نظریه تفسیری شورای نگهبان که خود مجلس بدان پایبند است- اخذ شود.

امنیت ملی را نمی‌توان فقط با دستگاه امنیتی و مجازات سنگین تأمین کرد. رسانه آزاد و مسئول، دانشگاه پویا، جامعه مدنی فعال و اعتماد عمومی، خود از ارکان قدرت ملی‌اند و قانونی که این ارکان را دائما در سایه ترس و ابهام حقوقی نگاه دارد، به‌جای تقویت امنیت، سرمایه اجتماعی کشور را می‌فرساید؛ همان نتیجه‌ای که هر قانون ضدنفوذ باید نخستین دشمن خود بداند. تقنین کیفری، هنر ترسیم مرزهای روشن است، نه گستردن سایه‌های گسترده و قانونی که خود از سایه خویش می‌ترسد و به هر رفتار متعارف به چشم تهدید می‌نگرد، سرانجام امنیتی نمی‌آفریند، جز بی‌اعتمادی.

جدول ۵۳۸۸ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- زمانی تاریخی نوشته هیلاری منتل، نویسنده انگلیسی- نوبت به نوبت ۲- غضب- خوش‌رفتاری- خوب و پسندیده ۳- صیغه نکاح را جاری می‌کند- از پرندگان شناگر- رهاورد بیماری ۴- پرده گوش- فراموشکار- شهر باستانی و قرمزرنگ اردن ۵- پی در پی- فریاد و فغان- بوی رطوبت ۶- کلیدی در موسیقی- مهلت‌دادن- نیم‌تنه نظامی ۷- داخلی- پیشی‌گرفتن- نهضت میرزاکوچک‌خان ۸- دومین مهره گردن- لقب فرزانه فصیحی، بانوی دونده ایرانی- کلمه پرسش ۹- غذایی از گوشت چرخ‌کرده و سیب‌زمینی- نام‌آور- نوعی کفش چرم که در قدیم می‌پوشیدند ۱۰- دشنام‌گو- زندگی‌کردن- چوب خوشبو ۱۱- گل سرخ- دردناک- نوعی آش نذری ۱۲- شریف‌تر- عبوس- اسب سیاه ۱۳- پندار- دستگیرشدگان- از ماهیان دریای خزر ۱۴- ارمغان- کاسب دوره‌گرد- مهره‌ای در شطرنج ۱۵- کارکرده و کهنه- روستای جهانی چادرشب بافی در گیلان

عمودی:

۱- مهارت علمی و فنی- ازخودگذشته- خواری و خفت ۲- غذای رقیق- تمرین- نوعی خرما با پوست ضخیم ۳- اثری عرفانی از فخرالدین عراقی- دفعه، بار- بوی خوش ۴- برادران- قوم مغول- ضربه سر در فوتبال ۵- تاب و توان- انتظار روی‌دادن امری خوشایند- حرف اول یونانی ۶- مناره مسجد- مقابل دریا- حفاظ ضربه‌گیر جلو و عقب خودرو ۷- راهی که به آخر نمی‌رسد! - زینت داده‌شده- از نقوش اسلیمی ۸- حلقه اول زنجیره غذایی در طبیعت- سرشار- آفریننده ۹- از سیارات سنگی منظومه شمسی- گران‌ترین نخ- نشانه جمع ۱۰- شیوه و روش- دوستان نزدیک- از سرداران اسکندر مقدونی ۱۱- نوعی ماهی استخوانی آب‌های شیرین- گروه- آماس ۱۲- آخرین یک‌رقمی- انقباض شدید عضلات- فروفرستادن ۱۳- نوعی موشک زیرآبی- استخوان جلوی قفسه سینه- رادار ۱۴- خراب- یکی از سه عنصر اصلی هر ارتباط است- پسوند شباهت ۱۵- پیروزی ورزشی- تصویری که روی پرده نمایش داده شود- روحانی زرتشتی

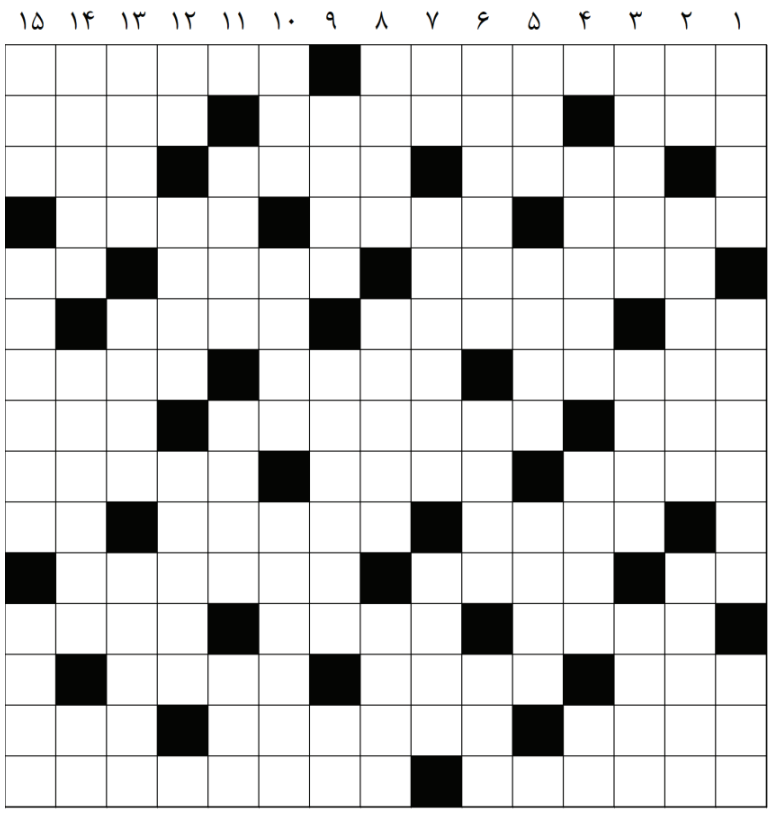

حل سودوکو ۴۳۸۳

۲	۸	۷	۶	۳	۵	۴	۱	۹
۳	۵	۱	۴	۸	۹	۷	۶	۲
۹	۴	۶	۱	۲	۷	۳	۸	۵
۶	۲	۵	۹	۴	۸	۱	۷	۳
۷	۱	۸	۲	۵	۳	۶	۹	۴
۴	۳	۹	۷	۱	۶	۵	۲	۸
۵	۷	۳	۸	۶	۲	۹	۴	۱
۱	۶	۲	۵	۹	۴	۸	۳	۷
۸	۹	۴	۳	۷	۱	۲	۵	۶

۸	۹	۵	۱	۳	۷	۲	۶	۴
۷	۳	۶	۴	۵	۲	۸	۱	۹
۱	۴	۲	۸	۶	۹	۳	۷	۵
۴	۱	۷	۳	۲	۵	۹	۸	۶
۳	۲	۸	۶	۹	۱	۵	۴	۷
۶	۵	۹	۷	۴	۸	۱	۳	۲
۲	۷	۳	۵	۸	۶	۴	۹	۱
۹	۸	۱	۲	۷	۴	۶	۵	۳
۵	۶	۴	۹	۱	۳	۷	۲	۸

حل جدول ۵۳۸۷

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	د	ا	ن	ا	■	ف	ی	ک	س	■	ک	ا	پ	ش	ن
۲	ا	م	ی	ب	■	ت	ل	ف	ن	■	پ	ا	س	ت	ا
۳	■	ا	م	ل	ا	ح	■	ت	ن	ز	ل	■	ن	ر	س
۴	ه	م	ا	ی	ش	■	ا	ر	د	ک	■	م	د	ع	و
۵	ن	ر	■	س	ع	د	ی	■	ج	ا	ر	و	■	ر	ر
۶	ر	ض	ا	■	ه	م	ل	ت	■	م	ک	ا	ت	ب	■
۷	ک	ا	ش	ت	■	ا	ی	ا	ب	■	ا	ل	ق	ی	ا
۸	د	■	خ	ا	ت	م	ا	ل	ا	ن	ب	ی	ا	■	س
۹	ه	ر	ا	س	ه	■	د	ا	د	ا	■	د	ر	ش	ت
۱۰	■	خ	ص	و	م	ت	■	ر	ب	ی	ع	■	ب	ر	ا
۱۱	ک	ت	■	ع	ت	ر	ت	■	ن	م	و	ر	■	ق	ر
۱۲	ف	ا	و	ا	■	ا	س	ی	د	■	د	ی	ا	ب	ت
۱۳	ر	و	ا	■	ی	ک	ر	و	■	ی	ت	ی	م	ه	■
۱۴	ا	ی	ل	ن	ا	■	ی	و	ی	و	■	س	ر	ش	ت
۱۵	ن	ز	د	ی	ک	■	ع	ی	ا	ل	■	ی	ا	ت	ا

سودوکو سخت ۴۳۸۴

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۹			۶		۸	۳	۴	
						۶		۵
					۲		۱	
	۶			۳				
		۱	۲	۷	۵	۸		
				۶			۵	
	۱		۳					
۸		۴						
	۳	۵	۱		۹			۶

سودوکو ساده ۴۳۸۴

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۱		۳			۶	۲	۴	
	۴	۷		۵	۹			
۴	۱	۶	۵	۲		۷	۹	۸
۳				۴				۲
۵	۲	۸		۱	۷	۶	۳	۴
			۸	۹		۳	۲	
	۹	۵	۳			۴		۶